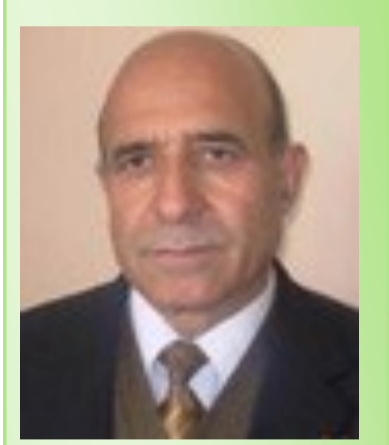




سال دوم شماره سیزدهم عقرب سال ۱۳۹۲ خورشیدی برابر با نوامبر سال ۲۰۱۳ م

جوانان الله یار! سلام بر شما، شعری تحت عنوان هذیان جهت نشر در ماهنامه « جوانان الله یار» ارسال می گردد، اگر پسند تان آید، نشر خواهید کرد. م انور غوری



دکتر محمد انور غوری

هذیان

ما گریه ماتم — کده زال زمانیم
 ما خنده طوفانهای غوغای جهانییم
 اسطوره سنگین خط — رنک قرونیم
 حماسه خونین شبی گرگ و شبانیم
 پیمان شکن میهن آزاده — شتیم
 فرماتیر طغیان زیا نبار روانیم
 در طالع ما آشتی و صلح و وفا نیست
 ما مشت گره کرده کین دیگرانیم
 حرص و طمع و مکر و ریا کینه و نفرت
 حمال کمر بسته این بار گرانیم
 شوریده نشخوار فروربرده خشمیم
 هنگامه بیهوده نجوای نهانیم
 در پرده ابهام همین باطن کوریم
 در رهگذر شوم همان ریگ روانیم
 در سادگی و جهل و جنون شهره آفاق
 در صبر و تحمل همه بی نام و نشانیم
 وز خویش گریزیم و پناهنده غریم
 ای وای کسه با قامت شمشاد کماتیم
 بر درگه بیگانه همی ابر بهاریم
 در خانه خود همسفر باد خزانیم
 چون برف کفن پوش زمستانی هویدا
 چون گرگ کمین کرده به تاریکی نهانیم از
 از و هوس رهزن و سواسه ذهنیم
 غارتگر و غارت زده سود و زیانیم
 از رخنه نیرنگ زمان یکسره غافل
 از پوزه فرسوده تاریخ عیانیم
 خود بین و تبه کار و بلا دیده وبد خواه
 ما گریه ماتم — کده زال زمانیم

صدها خانه مهاجر و موقف دولت

عبدالقدیر "فیصل"
 رهگذر هم نمیتواند چنین صحنه را با تحمل ببیند. این آوارگان کم از کم پیسه نان خشک فرزندان خود را آنهم در بدل کار بدست آورده نمی توانند. حال اینان به موظفین حکومت دولت خودچنین میگویند: آیا مامسلمانان از افغانستان نیستیم؟ آیاما تبعه افغانستان نمی باشیم؟ آیا ما از نوع بشر نیستیم؟ آیامابالای حکومت دولت منتخب خود حق نداریم که به صدای مظلومانه مان پاسخ دهد؟ وای اینکه شعارهای دوازده ساله حکومت، عوام فریبانه بوده هست؟ اما در مقابل این پرسش ها مقامات موظف ولایت هرات و مقامات حکومت مستقر در پایتخت کشور، در کابل، چرا؟ مهرسکوت را بردهان های خویش زده اند و از روی عمد حوصله خود را حفظ می نمایند. حتی حداقل این قشر مظلوم از کمک های سازمان های بین المللی و ملی خیریه بنام کمک های بشردوستانه نیز محروم مانده اند. دیده میشود که چشم انسانیت شعار دهندگان حقوق بشر نیز عیب ناک شده است و این عیب طور مینماید که گویا این بخشی از ملت افغانستان را بنام بشر نمیتواند بنگرد و صحنه کمره های رسانه های اجتماعی را نیز غبار پوشانیده است و بدین ترتیب این کمره ها و کمره مردان نمیتوانند حالت تأثر آور این مردمان غریب را بازتاب و انعکاس داده و وضعیت آنها را باطلاع و مشاهده هموطنان رسانیده و قرار دهند، تا میشد که بطور ممکن سوداگران و تاجران غیور و مسلمان افغانستان باین فریاد های حد اقل اطفال گرسنه پاسخ مثبت میدادند، ولی از طرف حکومت دولت افغانستان کدام اقدامی در رابطه صورت نگرفته است که کاملاً هویدا است.



لممی و دیمه، بدست می آمد، امسال حاصل نداد.
 صدها خانواده مسلمان مجبوره هجرت و آوارگی در مرکز ولایت هرات شدند. در این هوای سرد فصل خزان، بالبان خشکیده و شکم گرسنه در زیر آسمان کبود سرد و در روی زمین سخت، بدون داشتن سرپناه و سایه بالای سر، زندگی خود را بسر میبرند. طفلکان زیر سن ۷ الی ۱۰ سال، از سردی هوا و گرسنه ماندن شکم های شان، در این دشت های بی پناه، آب از چشمان ایشان بمثل باران میریزد و تحمل پدران و مادران آنها لبریز شده و طاقت دیدن ریختن اشک فرزندان شان را ندارند و حتی انسان

اهم اخبار ولایت غور در ماه گذشته عقرب

گزارش: آژانس باختر ولایت غور

همچنان گفته میشود که از اوایل سال جاری، تا کنون بیش از 40 مورد سرقت مسلحانه و غیرمسلحانه در مرکز ولسوالی های مربوط به این ولایت صورت گرفته است. به گفته مدیر مبارزه با جرایم جنائی قوماندانی امنیه این ولایت، در حدود 70 درصد عاملان این سرقت ها از طرف پولیس شناسای و دستگیر شده اند.

۲- وعده انتقال ۹ هزار تن مواد غذایی به ولایات غور و نورستان:
 قرار است ۹ هزار تن مواد غذایی به ولایات غور و نورستان بزودی انتقال داده شود. محمد اسلم "سیاس" معاون اداره ملی آمادگی مبارزه باحوادث طبیعی به آژانس خبری باختر گفته است، که این مواد غذایی برای افراد و فامیل های نیازمند، در این ولایات، در جریان فصل زمستان توزیع خواهد شد.

آقای سیاس میگوید که: «طبق برنامه های ترتیب شده، حدود بیست و هفت هزارتن مواد غذایی از سوی وزارت زراعت و ده هزار تن مواد غذایی از کمک های برنامه غذایی جهان و سازمان های خارجی به ولایات آسیب پذیر کشور، قبل از آغاز فصل زمستان منتقل خواهد شد. «به گفته وی، مبلغ دو و تا سه میلیون افغانی پول نقد نیز، برای هریکی از ولایات ۳۴ گانه کشور بمنظور رسیدگی به حالات اضطراری، اختصاص یافته است.

۳- فراغت 25 تن نرس قابله، از آموزشگاه نرس قابلگی غور
 در چهارمین دور آموزش نرس قابلگی در ولایت غور، صبح روزیکشنبه مورخ 12 عقرب، 25 تن، پس از سپری نمودن 18 ماه آموزش نرس قابلگی، سند فراغت بدست آوردند. بهمین مناسبت محفلی از طرف ریاست صحت عامه ولایت غور در مقر شفاخانه ولایتی این ولا برگزار گردید و در این محفل، محترم سید انور "رحمتی" والی ولایت غور و شماری از رؤسای ادارات دولتی، شرکت کرده بودند. محترم داکتر غلام نبی "یگانه" رئیس ریاست صحت عامه ولایت غور، ضمن اظهار خرسندی از فراغت این نرس قابله ها، گفت: مکتب نرس قابلگی، 8 سال قبل، بکمک مالی دفتر یوسای دی، توسط سازمان ورلد ویژن، در این ولایت به فعالیت آغاز نمود. به گفته آقای یگانه تا کنون یکصد تن در این آموزشگاه تربیه و فارغ گردیده اند. این نرس قابله ها، بعد از فراغت، در شفاخانه و کلینیک های صحی مرکز و ولسوالی های ولایت غور مصدر خدماتی شده اند.

ادامه صفحه 2



سال دوم	شمارهٔ سیزدهم	عقرب سال ۱۳۹۲ خورشیدی	برابر با نوامبر سال ۲۰۱۳ م	۲
---------	---------------	-----------------------	----------------------------	---

جامعهٔاسلامی وجامعهٔ جاهلی

عبدالظاهر ”شریفی ” **اظهر**

اسلام تنها دو نوع جامعه را به رسمیت می شناسد، جامعهٔ اسلامی و جامعهٔ جاهلی .

جامعهٔ اسلامی: جامعهٔ است که عقیده ، اخلاق، قانون ، نظام ، عبادت و رفتار آن مطابق با اسلام باشد.

جامعهٔ جاهلی: جامعهٔ است که عقیده، ارزش، موازین اسلامی، نظام و شرایع اخلاقی بر آن حکم فرمانباشد.

جامعهٔ که شریعت وقانون خداوند (ج) درآن حاکم نباشد ولوآن جامعه را مردمانی تشکیل بدهند که خویشتن را ((مسلمان)) بنامند وحتّی نماز بجای آورند، روزه بگیرند وبه حج بروند، جامعهٔ اسلامی نخواهد بود وهمچنین جامعهٔ که اسلام رامغایربا آنچه خداوند (ج) مقرررفرموده و پیامبر او حضرت محمّد (ص) شرح و تفصیل داده است، از پیش خود برای خود ابداع نماید و آن را مثلاً ((اسلام متّرقّی ا)) بنامد جامعهٔ اسلامی بحساب نمی آید.

جامعهٔ جاهلی، میتواند بصورت های مختلفی که همهٔ آنها جاهلی هستند نمود پیدا کند، گاهی بشکل جامعهٔ ظاهر میشود که وجود خدای تعالی را انکار مینماید. گاه نیز بشکل جامعهٔ ظاهر میشودکه وجودخداوند (ج) را انکار نمی کنند، امّا باو فرمانروایی در آسمان را میدهند و از حاکمیت درزمین، انکار مینمایند، باین ترتیب که شریعت اورا در نظام زندگی پیاده نمی کنند و ارزشهای ثابتی را که اوبرای زندگی بشر مقرّر فرموده است، حاکم نمی گردانند. این جامعه مردم را آزاد می گذارد مانند جامعهٔ امروزی غرب که باهدف شوم خود دراکثریت جوامع اسلامی برای از بین بردن قانون خداوند (ج) نظام را بنام صلح و دموکراسی ((جامعهٔ جاهلی)) طرح وپیاده نموده است. دیگر اینکه میخواهد عبادت خداوند (ج) تنها درمساجد، صومعه ها و کلیسا هاپرداخته شود یعنی دین را از سیاست جدا نماید و نمی گذارد که قوانین واحکام الهی در روی زمین پیاده گردد، از این رو، الوهیت خداوندرا در زمین چنانکه در آیه (84) سوره زحرف بدان تصریح شده است، نفی می کند و یا مانع از تحقّق یافتن آن می گردد.

ترجمه: «پر برکت و پایدار است کسی که حکومت آسمانها و زمین و آنچه در میان آن دو است از آن اوست؛ و آگاهی از قیام قیامت نزد اوست و بسوی او بازگردانیده میشود!» بعلاوه ، چنین جامعه ای آنچهانیکه از فوق بر می آید ، در قلمرو دین خدا نیز قرارنمی گیرد. ودرآیه (40) سوره یوسف خداوند (ج) می فرماید:

ترجمه آیت: «(این معبودهایی که غیر از خدا می‌پرستید، چیزی جز اسمهایی (بی مسماً) که شما و پدرانتان آنها را خدا نامیده‌اید، نیست؛ خداوندهیچ دلیلی برآن نازل نکرده؛ حکم تنها از آن خداست؛ فرمان داده که غیر از او را نپرستید! این است آیین پابرجا؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند!)» نه قانون امروزی غرب. لذاچنین جامعهٔ که وجود خدا را نیز قبول کند و مردم را آزاد بگذارد بنام اسلام مترقّی، هر کاری که دلش بخواهد انجام دهد، آیا این یک جامعهٔ اسلامی است؟
نخیر! جامعه ای اسلامی آن است که قانون خدا درآن حاکم واز شریعت اسلامی پیروی گردد.

دواهای ضد فشار خون واستروئیدهارا دریافت کرده اند).اغلب اوقات، ترکیبی ازعوامل بیولوژیکی،روانی واجتماعی در بروز عارضهٔ افسردگی نقش دارند.

اشخاصیکه بیشتر درمعرض خطرافسردگی قرارمیگیرند عبارت اند از:

افسردگی والدین یک خطر جدی برای فرزندان ایشان است؛

۱۲- احساس گناه، بی ارزش بودن ویا بیکاره بودن؛

انواع مختلف افسردگی وجود دارد، که هرنوع آن، اعراض وعلائیم خاص

وتداوی ویژهٔ خودرا دارد. دراین قسمت به بعضی از

این انواع اشاره میکنیم:

۱- افسردگی شدید: این نوع افسردگی، بیش ازدو هفته دوام میکند وخطرخود کشی درآن زیاد است؛

۲- افسردگی خفیف ومزمن: که بامداخلات روانی واجتماعی بخوبی وآسانی تداوی شده، تاثیرات مریضی را میتوان برفعالیت های روزانه کاهش داد؛

۳- افسردگی پس از ولادت درزنان: بعضی ازمداران ممکن است، بعدازولادت، شکایاتی مانند غمگینی ، خشم ، اضطراب ، پرخاشگری واحساس ارزشی داشته باشند؛

۴- اختلال دوقطبی: این وضعیت شامل دوره های گوناگون افسردگی ومانیا است. بعضی افراد ممکن است دوره های مختلفهٔ افسردگی را قبل ازتحصل دورهٔ مانیا داشته باشند ویبالعکس آن؛

هرگاه افسردگی تداوی نشود، ممکن است تبدیل به یک عارضهٔ مزمن شود. هرگاه بزودی تشخیص وتداوی شود، دوام مریضی کوتاه ترمیشود.دراکثرموارد، شخص میتواند مثل یک فرد سالم بطورمعمول به زندگی خودادامه دهد.همچنان اختلال های روانی واجتماعی بطورچشمگیری، خطرعود مریضی را کاهش میدهد. دوره های عود شوندهٔ افسردگی ممکن است، منجربه بروز دورهٔ مزمن، بدون فاصله های بهبودیابی بعد از آن شود.(ادامه دارد)

زمان ” رفعت ” مشاورصحت روانی شفاخانه ولایتی ولایت غور.

افسردگی

درتصمیم گرفتن؛

۹- عدم انتظام درخواب مثل صبح وقت بیدارشدن ویا خواب زیاد ازطرف صبح؛

۱۰- از دست دادن میل جنسی؛

۱۱- ازدست دادن علاقه ولذت؛

۱۲- احساس گناه، بی ارزش بودن ویا بیکاره بودن؛

انواع مختلف افسردگی وجود دارد، که هرنوع آن، اعراض وعلائیم خاص

وتداوی ویژهٔ خودرا دارد. دراین قسمت به بعضی از این انواع اشاره میکنیم:

۱- افسردگی شدید: این نوع افسردگی، بیش ازدو هفته دوام میکند وخطرخود کشی درآن زیاد است؛

۲- افسردگی خفیف ومزمن: که بامداخلات روانی واجتماعی بخوبی وآسانی تداوی شده، تاثیرات مریضی را میتوان برفعالیت های روزانه کاهش داد؛

۳- افسردگی پس از ولادت درزنان: بعضی ازمداران ممکن است، بعدازولادت، شکایاتی مانند غمگینی ، خشم ، اضطراب ، پرخاشگری واحساس ارزشی داشته باشند؛

۴- اختلال دوقطبی: این وضعیت شامل دوره های گوناگون افسردگی ومانیا است. بعضی افراد ممکن است دوره های مختلفهٔ افسردگی را قبل ازتحصل دورهٔ مانیا داشته باشند ویبالعکس آن؛

۵- افسردگی سایکوتیک: این نوع افسردگی یک شکل شدیدی از افسردگی است که اعراض افسردگی همراه با برسامات وهذیانات دیده میشود. این نوع افسردگی تنها با ادویهٔ ضد افسردگی کمترپاسخ میدهد؛

عوامل زیادی در ایجاد وبروزافسردگی نقش دارند. بعضی افراد در معرض خطر بیشتری قرار دارند (زناییکه دراواض عمر خود ولادت کرده اند ویا کسانیکه سکنه مغزی داشته اند، پاکسانیکه مریضی جسمی مزمن دارند و دواهای مختلف مانند

هرکس درزندگی ممکن است، گاهگاهی احساس غمگینی ویا بی علائگی کند؛ ولی اگرشخصی برای انجام فعالیت های مورد پسند وعلاقه اش، انرژی ندارد ویا مثل همیشه از فعالیت اش احساس راحتی ورضایت نمیکند ویا اگر تمامی اوقات خفه وغمگین است، این همه ممکن است نتیجهٔ افسردگی باشد. افسردگی یک اختلال شایع است که بیشتر در زنان دیده میشود، اما درتمامی دسته های انسان ها، ازنگاه سن وسال ممکن است، مشاهده شود. علاقهٔ کم درقبال امورمحوّلهٔ زندگی، مزاج افسرده، ازدست دادن علاقه ،بحیث اعراض اصلی افسردگی اند. افسردگی اعراض مختلفی دارد، مریض اغلب با موجودیت اعراض جسمی، نزد داکتران مراجعه میکند ویک علامت شایع دیگر پرخاشگری وخشم است که گاهی مریض باهمین شکایت، نزد داکتر مراجعه میکند.

باید یاد آورشد که تمامی اعراض افسردگی را دریک شخص مصاب نمیتوان باتجربه وبیشکل عملی دید وشاید این نوع اعراض نزدچنین مریضی با درجهٔ شدید ویا خفیف باشد. همچنان شدت اعراض نزد افراد متفاوت میباشد که باگذشت زمان فرق میکند. اینک اعراض شایع افسردگی رابطور زیرین نام میبریم:

۱- اعراض وعلائیم جسمی که با تداوی پاسخ وواکنش نشان نمیدهند مثل سردردی، مشکلات هضمی، کمردردی، دردهای مزمن؛

۲- گوشه گیری ازاجتماع ومردم ویا همیشه احساس تنهایی وبی کسی کردن؛

۳- درفکر مردن،یا خودکشی ویا تلاش برای خودکشی؛

۴- بدخوئی، خشم کردن نسبت باعضای فامیل ودیگران؛

۵- احساس خستگی، یا احساس نداشتن توان وانرژی ویا کند شدن درفعالیت؛

۶- ازدست دادن اشتها ودرصورت شدت آن، درنتیجه کاهش یافتن وزن؛

۷- فکر نا امیدی و درماندگی؛

۸- فراموشی ومشکلات در تمرکزفکری ویا

اهم اخبار ...

۴- سه غیرنظامی دریک درگیری مسلحانه درولایت غور کشته شدند

سه غیرنظامی در جریان درگیری باافراد دو قوماندان مسلح غیردولتی درولایت غوربتاریخ ۲۶ ماه عقرب کشته شدند. دراین درگیری که درساحهٔ روستای اوشان، واقع دربین ولسوالی های دولینه و شهرک ولایت غور صورت گرفت، هفت فرد دیگر زخم برداشتند.

حبیب الله قوماندان امنیهٔ ولسوالی دولینه به ژآنس باختر گفت است که دراین درگیری، دو زن و یک مرد، ازباشندگان محل، کشته شدند و هفت تن دیگر، زخم برداشتند. وی افزود که دراین درگیری، افراد این دو قوماندان مسلح غیر دولتی نیز تلفات و جراحات برداشته اند. حبیب الله خاطر نشان کرد، که درگیری ناشی از خصومت های ذات البینی میان افراد این دوقوماندان رخداده و اکنون وضعیت بحالت عادی برگشته و نیروهای امنیتی دولت موفق به تامین امنیت در این ساحه شده اند.

این واقعه درحالی صورت میگیرد که چند وقت پیش سید انور" رحمتی" والی ولایت غور به رسانه ها گفته بود که 146 تن قوماندان مسلح غیردولتی مجهز با اسلحهٔ سنگین وسبک درغور، وجود دارند که به گفته والی غور، اکثریت وقوع نا امنی های این ولایت ازسوی همین قوماندانهای مسلح غیردولتی صورت میگیرد.

5- توزیع 10قلم موادغیرغذائی برای شماری ازبیجاشده گان شهرک مهاجران غور

روز شنبه مؤرخ 19 عقرب، ریاست مهاجران ولایت غور، به سلسله کمکهای قبلی خویش، 10 قلم مواد غیر غذائی را برای 21 فامیل بیجاشدهٔ ولسوالی پسابند ومنطقهٔ الله یارولایت غور، مساعدت نمود. محترم عبدالرؤف "غفوری" رئیس ریاست مهاجران ولایت غور گفت: این مواد بشمول ظروف آشپزخانه، به هرفامیل 6 تخته کمپل، مواد بهداشتی، تریپال، کپسول گاز وحاوی غیره موادمی باشند وقبلاً خانواده های مهاجروبیجا شده تشخیص وتوزیع گردید. آقای "غفوری" افزود که این سلسله کمکها، برای نیازمندان ادامه دارد. به گفتهٔ وی درمساعدت های بعدی، مواد غذائی نیز شامل خواهد بود. درهمین حال، شماری از بیجا شده گان که کمکهای ریاست مهاجران را دریافت کرده اند ازاین کمکها، ابراز خرسندی نموده وخوahan توزیع وسایل گرم کنندهٔ زمستانی از ریاست محترم مهاجران وسایر سازمان های خیریهٔ مقیم وخارج این ولایت شده اند.

6- یک سرباز پستهٔ امنیتی بند خیران مسیرشاهراه غور - هرات ازسوی طالبان تیرباران شد

بتاریخ 28 عقرب سعد الدین سرباز پستهٔ امنیتی مستقردربند خیران واقع درمسیر شاهراه ولایات غور- هرات، درروستای سرچشمه ولسوالی شهرک ولایت غور،ازسوی طالبان تیرباران شد. محترم سمونیار نورعلی "اسیری" مدیرمبارزه باجرایم جنائی قوماندانی امنیهٔ ولایت غور ضمن تأیید این خبرگفت: سعدالدین سرباز پستهٔ امنیتی بند خیران که بسمت ولسوالی شهر ک این ولایت درحرکت بود طالبان، وی را درمسیرراه درروستای سرچشمه دستگیر وبعداً اورا تیرباران کردند وسلاح اش را نیزبا خود بردند.

ویژگی های زن مسلمان

خانواده در نتیجهٔ ازدواج مشروع وقانونی، یعنی بپایوند وباهمی شدن زن ومرد ایجاد میگردد که با بوجود آمدن فرزندان، یک خانوادهٔ کوچک تشکیل می یابد.

ابن سینا برای زن در خانواده نقش مهم واساسی قایل است؛ وی زن را شریک زندگی مرد، پاسبان منافع واحوال او، جانشین او در خانه ، امین ومربی فرزندان او میداند. این میتنی براساس همان اهمیتی است که زن در خانواده دارد. ابن سینا معتقد است که زن خوب، باید از نظر عقل، تدبیر، اخلاق ورفتار، پسندیده باشد. بهترینی زنان، زنی است که عاقل ، دیندار باحیا، زیرک مهربان ودلسوز باشد ونسبت به شوهراش کوتاه زبان، فرمانبردار وهمچنان با وقار، با هیبت وکم خرج بوده وبدون هیچ چشم داشتی به شوهراش یاری برساند، امور خانه را بخوبی اداره کند وبا تنظیم مناسب، مخارج زندگی بردارائی شوهرش بیافزاید. زن باید غصه های شوهراش را بااخلاق پسندیده اش برطرف سازد وغم های او را با مدارای نیکویش تسلی بخشد.

زن مسلمان ونیکو؛ زنی است که معتقد باشد به وحدانیت الله (ج) که معبود یگانه است وبررسالت محمد (ص) که پیامبر خدا است ودین اسلام، دین برحق است ودرقول، عمل واعقاد وی، آثار ایمان ظاهر شود واز عذاب خداوند(ج) بترسد مخالفت از اوامر خداوند (ج) ورسول الله (ص) را نکند. زن مسلمان باید نماز های پنجگانه را دراوقات معینه اش ادا نماید واثر نماز بالاییش ظاهر شود، زیرا نماز انسان را از هر نوع کار های بد ونا روا منع میکند.

صفات دیگری زن مسلمان، آن است تا حجاب اسلامی را رعایت کند وبآن پابندی کامل داشته واز

انسان بازتابگاه بلورین نورخدا، اما اعمال اش...؟؟؟

انسان موجودی است مغلق وبپیچیده، که ابعاد مختلف دارد. یعنی آفریده شده ازمشتی خاک ونوری دمیده شده از جانب خداوند(ج) وهم چنان موجودی است که فقط ذات الله متعال به اسرار وجودی آن که آفریده است پی برده میتواند. انسان بالاتر از تصور وتفکر است. خداوند(ج) انسان را به پایهٔ فرشتگان وحتى بالاتر ازآن قرارداده است، انهم انسانیکه نمیداند ازکجا آمده وبه کجا خواهدرفت ومقصد از آفرینش او، در روی زمین چیست؟

زندگی انسان فقط به خورد ونوش خلاصه نمیشود. اگر انسان واقعاً بداند که او کیست وچی منزلت وموقعیتی نزد خداوند(ج) دارد، هرگز عمرخود را صرف لذات دنیاوی نمیکند.

ای انسان! تو بزرگتر از آنچه هستی که تصورمیکنی ومی اندیشی! خداوند(ج) برای تو چنان شرافت ومنزلتی را داده که خاوندگار از نوع تو بهترین پیامبران وبهترین دوستان را برای خود انتخاب نموده است.

ای نوع انسان! تو چنان به نزد خداوند "ج" گرامی وگران هستی که خداوند دنیا را آزمایشگاه برای تو ساخته است. خداوند بزرگ زمین وآسمان را آفریده تا توبه آنچی که ارزش اش را داری برسی!

ای انسان! خداوند"ج" تورا ازنور وروح خود آفریده «وینفخ فیه من روحه.....» توقسمتی از روح دمیدهٔ شدهٔ خداوند "ج " هستی ، اگر تو بخوای خداوند مالک دست تو، قلب تو ... میشود. اگر

منزل، بدون حجاب خارج نشده وخداوند(ج) را شکر گزار باشد که توسط حجاب، وی را معزز ومکرم گردانیده است.

یکی دیگر از ویژگی های زن مسلمان، آن است که مطیع وهمکارشوهراش باشد، همراه وی با نرمی رفتار نماید، در کار های خیر همکار وی باشد، بخاطر راحت وی، اعمال نیک را انجام دهد، در مقابل آواز او، صدای خود را بلندتر نکند، به شدت سخن نگوید. زن مسلمان، آن است که فرزندان خود را بطریقهٔ مناسب، طوری تربیه نماید که از اوامر خداوند (ج) اطاعت کنند وعقیدهٔ سالم داشته باشند، دوستی خداوند (ج) ورسول اش را در دل های ایشان جایگزین نموده تا از اخلاق نا پسندیده اجتناب نمایند.

زن مسلمان(وهم مردمسلمان)، اوقات خود را بیهوده وبی فایده، مصروف دیدن سریال های مزخرف دیدگر برنامه های گمراه کنندهٔ تلویزیونی صرف نمیکند، روز ها وشب هایش را با لهو لعب، سخن چینی، خبر بری از یک شخص به شخص دیگر، اختلاف افگنی بین دوشخص ویا بین اعضای خانواده ها، تعصبات بيمورد، خود ستائی نسبت بدیگران وحرف زشت از زبانش بیرون نمیشود.

پس نگهداری خویشتن عبارت از ترک معاصی وعدم تسلیم در برابر خواهشات وترک اعمال زشت که در نتیجهٔ تحکم نفس سرکش متبازر میگردد. نگهداری خانواده، آموزش تعلیم وتربیهٔ خوب، امر به معروف ونهی از منکر، فراهم نمودن محیط پاک وخالی از هر گونه آلودگی در فضای خانه وخانواده است.

خداوند (ج) در سورهٔ احزاب دربارهٔ همهٔ زنان ومردان وصفات برجستهٔ آن ها نصوص واحکام جامع

غلام ربانی " مشفق" دانشجوی صنف اول دانشکدهٔ زبان وادبیات پارسی دانشگاه پروان

وپرمحتوائی را بیان کرده است، که ضمن برشمردن ده وصف از اوصاف اعتقادی ،اخلاقی وعملی آنان، پاداش عظیمی برای ایشان بیان نموده است که در ذیل توضیح میگردد:

ترجمه: «به یقین ، مردان مسلمان وزنان مسلمان ، مردان با ایمان وزنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خداوند (ج) وزنان مطیع فرمان خداوند(ج)، مردان راستگوی وزنان راستگوی، مردان صابر وشکیبا وزنان صابر وشکیبا، مردان با خشوع وزنان با خشوع ، مردان انفاق کننده وزنان انفاق کننده، مردان روزه دار وزنان روزه دار، مردان پاکدامن وزنان پاکدامن ومردانیکه بسیار به یاد خدا هستند وزنانی که بسیار یاد خدا میکنند، خداوند برای همهٔ آنان مغفرت وپاداش عظیمی فراهم ساخته است» (حزاب – ۳۴).

بلی آنها با یاد خدا (ج) ، در هرحال ودر هرشرایط، پرده های غفلت وبی خبری را از قلب خود کنار میزنند، وسوسه های شیاطین را دور میسازند واگر لغزشی از آنان سرزند فوراً در مقام جبران می برآیند. در پایان آیه کریمه به پاداش بزرگ این گروه مردان وزنانی که دارای ویژگی های دهگانهٔ فوق هستند چنین بیان میکند انظورنیکه درآیهٔ مابرهٔ فوق بیان گردید. خداوند (ج) برای آنها مغفرت وپاداش بزرگی را فراهم ساخته است، نخست با اب مغفرت گناهان آنها را که موجب آلودگی روحی وجانی آنها است، میشود، سپس پاداش عظیمی را که جز خداوند (ج) کسی دیگری نمیداند، در اختیار ایشان قرار میدهد وبنابراین لازم است تا هر زن مؤمن ومسلمان، کوشش کند تا اینکه دارای این چنین صفاتی باشد که موجب حصول رضای خداوند (ج) ومغفرت وی قرار گیرد واز جایگاه خوبی در دنیا وآخرت برخوردار گردد.

سوسن ” آریا“ دانشجوی دانشکدهٔ حقوق وعلوم سیاسی مؤسسهٔ تحصیلات عالی ازهر

نباید بخاطر رسیدن به خواست های خود از خالق خود دورشد، انهم آنقدر دورشد که از یاد وذکر او غافل شد.

خداوند"ج" هیچ دستی را که با امید واخلاص بطرف او بالا میشود، بلا جواب وخالی بر نمیگردند. این دنیا را که ما فقط وسیلهٔ برای لذت بردن ، پوره نمودن هوا وهوس ، خواهشات نفسانی میدانیم، درحقیقت آزمایشگاه خداوند است ویک محل برای امتحان خداوندی است.

بد بختانه جامعهٔ ما آنقدر دور از واقعیت ها است که ازانسان مؤمن واقعی واز انسانیکه با قلب پاک وصاف میخواهد که این راه را به پیماید، سوء استفاده میگردد واگر شخصی بخواهد تا خود را مزین وآراسته با ارشادات دین اسلام بسازد، او را مجبور میسازند تا اینکه راه غلط را انتخاب وبرگزیند. متأسفانه امروز برای انسان های پاک ،صاف دل ، بیربا جای زیست نیست. جامعهٔ ما چنان سیاه چاه وگودال جهالت ، نادانی، فساد... تبدیل شده که انسان های برخوردار از ضمیر روشن آگاه را هم درخود غرق میکند، برای بیرون رفت از این نانجاری های ، یگانه وسیلهٔ ، به تجهیز جوانان وتمامی اعضای جامعه بازیور تعلیم وتربیه است. تعلیم وتربیه است که تغییرمثبت را درسلوک انسان ها ببار میآورد وجوامع که از نعمت تعلیم وتربیه عالی ، برخوردار گردیده اند، توانسته اند تا به حل همچو مشکلات وناملایمات موجود، نظیر کشود ما ، فایق آیند.

من باور کامل دارم که راه علاج این همه بد بختی ها ، فقط وقفط در گرو تعلیم وتربیه است وبس.

فسونگری های شیطان

الشیطن الرجیم این پناه خواهی وتکرار اعوذبالله را آنقدر بزبان آورد تا اینکه روشنی به تاریکی مبدل گردیده وهمان چهرهٔ نمودار شده پس از روشنی اول، بشکل یک دمه وغبار در آمد وسپس از آن میان آوازی برآمد که ای عبدالقادر! من شیطان هستم، شما از افتادن دردام این چل ونیرنگ من نیفتیدید، اگر نه من با این چل خود، هفتاد آدم اهل را از راه کشیده وگمراه کرده ام.	حکایت دوم <p>حضرت ابو سعید "خراز" (رح) ، یک شب درخواب دیدند که چوبی را گرفته اند وبخاطری زدن شیطان میبوند اماشیطان به ایشان میگوید: «ای ابو سعید ! من ازاین چوب شما، نمی ترسم ، من فقط از آن کسی میترسم که دل آن از محبت خداوند(ج) منور است ، ازشعاع آن نور خدا میترسم.»</p>	حکایت سوم <p>وقتیکه خداوند (ج) شیطان را ملعون اعلام داشت، شیطان در مقابل در ازاء گفت: «من بخاطر گمراهی این بنده های شما، در راه راست شما می نشینم، پس بر این بنده ها، از پیشرو واز پشت سر، هم از راست وهم از چپ، حمله میکنم «فرشته ها این را شنیده ودر دل های ایشان خوف پیدا شد وان ها از خداوند (ج) چنین پرسیدند : «با الهی! شیطان مردود بر میبخشم.»</p>
---	--	---

بااستاد من آشناشویدا!

اسم اش ”معلم“ است که از پدر ومادری بنام «تعلیم شاه» و «بی بی تربیه »در مملکت «مکتب »تولد شد. شهر صنف زادگاه اوست وقفط یک خواهر باسم « معلمه »دارد.

« معلم» و « معلمه» این برادر وخواهر فقیر یکبار ، بجرم سوء قصد، بجان یک ارباب محلی بنام «جاهل خال بیسودی»از سوی دادگاه انقلاب به مدت ۲۳ سال اعمال شاقه مانند؛ سنگ شکنی ، کالا شویی و سرک سازی محکوم شدند!

«معلم» و«معلمه» درعلوم مختلف وارد هستند ؛ اما مثل همه کاره های بی روزی جهاز هاضمه شان را فقط باستقبال نسک ونخود عادت داده اند. آنها به هیچ رنگی علاقه ندارند ؛ اما مجبوراً سرخ وسبز را تجربه کرده اند – یکبار بجرم سفید پوشی «معلمه »را کیبل پیچ کردند که کبود شد ، از آن به بعد به دل سیاهی خو گرفته اند. اگر شرایط خدای نا کرده باز هم قرمزی شود ، حوصله گلایبی پوشی را ندارند! درورکشاپ های مختلف اشتراک میکنند؛ سیستم های جدید میتود درسی را می آموزند ، از بخت بد نمیتوانند پای لچ از پشت این همه سیستم تیز رفتار بدوند وبالاخره نا رسیده بآن به تریننگ میتود جدید تر دعوت میشوند.

در مذهب این خواهر وبرادر گوشت خوردن حرام است، سبزی ها را بخاطر ویتامین هایش نه بلکه برای سرپای ایستادن میخورند.

والدین این دو اواخر قرن هژده دراین محل سکونت گزیده اند. مادر شان «بی بی تربیه »در اثر «طاعون کودتا »حیاتش را به شما بخشید وپدر شان آقای «تعلیم شاه »بعد از مرگ خانمش به فلج شدید مبتلا گردید.

« معلم» و « معلمه» این برادر وخواهر مهربان به پدر مریض شان احترام زیادی قایل اند که انشاءالله دعای او را خواهند برد.

جناب «تعلیم شاه »در استاد من از سال ها بدینسو در بیمارستان ملل متحد بستری است ، داکتران وضعیت اش را در دوسال اخیر امید بخش خوانده اند ؛ اما بعید بنظر میرسد سیروم خیراتی «وعده درملتون » کمک اش نماید که دیگر باعصابی پلاستیکی یونسکو راه برود!

این روز ها خیرشدیم که استاد من با خواهرش « معلمه جان »هردو بخاطر آبادانی کشور بخصوص تعمیر بانک جدید روزه نذری گرفته اند. خواهر روزه دار با آمدن هر شامی مجبور است که روزه اش را بشکند؛ اما «معلم» آقای برادرش قسم خورده است تا وقتی وزیر محترم مالیه در کوبون او عکس خرما را نکشد ، روزه اش را افطار نخواهد کرد!

برگرفته شده:از گزینۀ طنزنجیب الله “دهزاد“ زیرنام خطبه های..... چاپ سال 1386 خورشیدی.

چگونه در کانکور موفق شویم...؟

نصیب الله "امانیار"

زندگی ما چیست؟

صدرالدین "اظهر"



زندگی عبارت از سه سوال درست و ثابت است که عقول بشر در قدیم و در جدید بان مشغول بوده و به فکر هراسان در وقت خلوت وارد میشود و خاطره های آن در امور زندگی در هر لحظه به ذهن آن می آید.

- ۱- از کجا آمده ایم؟
- ۲- بخاطر چه آمده ایم؟
- ۳- و به کجا میرویم؟

جواب های درست که باین سوالات حضرت محمد(ص) داده است در مجموع با تفصیلات آن در ذیل میپردازیم

در مورد سوال اول: الله تعالی می فرماید: فَلْيَنْظُرُوا لِنَفْسٍ لَمْ يَخْلُقْ (۵) خَلَقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ (۶) يَخْرُجُ مِنَ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ (۷) الطارق ۷۵

ترجمه: انسان ببیند از چه آفریده شده؟ آفریده شده از آب ریخته شده که بیرون می آید از میان پشت و سینه. در مورد سوال دوم: الله تعالی در قرآن کریم فرموده اند: وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (۵۶) الذاریات ۵۶ ترجمه: نیافریده ام جنیات و انسها را مگر برای اینکه مرا عبادت کنند.

در مورد سوال سوم: الله تعالی در قرآن مجید فرموده اند: «إِن إِلَهَ إِلَّا الرَّجَعِي» (۸) العلق

ترجمه: بسوی پروردگارتو است بازگشت.

پس ما هستیم که در میان شعله های جهنم می خندیم، گریه میکنیم، می ترسیم، مایوسیم، امید واریم، می روییم و نمومیکنیم، گل می دهیم و پژمرده میشویم. لیکن لهیب این آتش سوزنده مابدی است. مگر نسل های آینده مانیز در این جهنم برای ابد خواهند سوخت؟ اصلاً زندگی مابه معنی حال وجود ندارد، زندگی مابه فردا حواله میگردد و مابه فردا علاقه مندیم. فردای که امروز نمی شود و در پی خود فردای دیگری دارد با وجود آن این فردا مرجع امیدماست....

آگاهی ام از هر دو جهنم وحشت داد
تسابل نداشتیم، قفس تنگ نبود

علاقتمندی های تان نیز باشید؛ البته با مشوره و برنامه ریزی منظم و دقیق. چون وقت کانکور بسیار محدود است و هر کسی که زودتر با انگیزه بیشتر و بابرنامه طرح شده و عملی، شروع کند مسلماً موفق خواهد بود.

قبل از شروع و در جریان امتحان کانکور: در سپری کردن امتحان کانکور رعایت نکات ذیل مفید است.

- ۱- با استعانت خواستن از درگاه خداوند "ج" و خواندن سوره هائی چندی از قرآن مجید که حفظ داریم، می توان هیجان و فشار قبل از آغاز امتحان را از خود دور سازیم؛
- ۲- بعد از گفتن و خواندن سوره هائی قرآنی و توکل بر ذات خداوند "ج"، مشخصات کامل خود را نوشته، سوالات را به دقت خوانده و دایره جواب سوالات را بدون عجله و با دقت کامل پر سازیم؛
- ۳- خوردن خوراکی هائیکه مواد قندی دارند، مثل کشمش، خرما، مغز بادام و غیره بما انرژی و وقت زیاد تری در امتحان میدهد؛
- ۴- از گذشتان وقت زیاد بر روی سوالات جزئی، خود داری کرده و وقت خود را با مدت تعیین شده هر بخش امتحان، تنظیم کنیم؛
- از سوالات ساده تری هر بخش شروع کرده و بعد به حل سوالاتی که مشکل تر و یا وقت بیشتری می گیرد بپردازیم؛
- ۵- در تحویل دادن ورقه و کتابچه امتحان عجله نکرده و تمامی پاسخ ها را دوباره در صورت امکان وقت، مرور و بررسی کنیم؛

شرایط موفقیت در کانکور:

- ۱- یکی از مهمترین شرایط موفقیت در کانکور، دور کردن هرگونه اضطراب، نگرانی و تقابلاً حفظ آرامش، خونسردی، اعتماد و اتکاء به نفس است؛
- ۲- شرط دیگری موفقیت در کانکور، نقش والدین است، بناءً بهتر است والدین به فرزندان ایشان بگویند که کانکور بهترین راه زندگی شما است و موفق شدن میتواند نتیجه تلاش زیاد و چند بار بزمین خوردن و بلند شدن باشد و نباید ناامید شوید. یا اینکه به او بگویند؛ ما می دانیم که تو تلاش خودت را کرده و حالا هر نتیجه که بگیری حاصل سعی و تلاش دوازده سال شماسست و ما امیدواریم که شاهد موفقیت تو در این عرصه ویا سایر عرصه های زندگی باشیم؛
- ۳- متأسفانه جامعه ما جامعه، دیپلوم گرا شده است و چنین تصور می شود که اگر کسی دیپلوم لیسانس و فوق لیسانس گرفت، در جامعه از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار است و همه مشکلات برای او تسهیل می شود، و شخصیت وی در دانشگاه آینده شده و علم انسان را اضافه میکند و اما انسانیت هر کسی بستگی به اخلاق، تعهد و ارزش هایی دارد که در زندگی بدست آورده است؛
- ۴- پدران و مادران و کلان سالان با شفقت و مهربان گران با تشویق و دلگرمی فرزندان خود را به امتحان بعدی امیدوار کنید؛
- ۵- از کنایه گفتن، تحقیر و استعمال کلماتی که بار منفی دارد، خود داری فرمائید؛

آخر سخن: فضای روحانی حاکم بر خانواده، توکل بر خدا، دعا و استعانت خواستن از خداوند منان، بهترین وسیله و راه جهت آرامش دهی روحی و روانی، به فرزندان تان باشید؛



امسال هم مثل سال های گذشته، امتحان سراسری کشور بمنظور راه یافتن به دانشگاه های افغانستان، برگزار می گردد و در این آزمون صدها تن از متعلمان فارغ صنف دوازدهم، اعم از جنس اناث و ذکور، برای راه یافتن به دانشکده های دانشگاه های دلخواه ایشان، بر رقابت می پردازند. در این روز ها بحث آزمون کانکور بار دیگر در کوچه ها و بازارها بر سر زبان های متعلمان و از زبان های ایشان شنیده میشود و باز هم آمد آمد کانکور است، که فارغان صنف دوازدهم و خانواده های ایشان را تحت تأثیر خود دلپهره قرار داده است.

اصطلاح کانکور: کانکور از کلمه فرانسوی CONCOURS گرفته شده که به معنی، فتح کردن، پیروزی و مسابقه و رقابت و غیره معانی می باشد و در اصطلاح، عبارت از امتحان و آزمون اندازه نمودن سطح معلومات شخصی یک دانش آموز فارغ طی دوازده سال در آموزشگاه است.

کانکور مهمترین مرحله از زندگی متعلم فارغ می باشد که دوازده سال درس خوانده و در این زمان می خواهد تا در امتحان جامع، معیاری و برابر با استانداردهای بین المللی، خود را بیازماید. اما امتحان برای چیست...؟ آیا برای کامیاب شدن به دانشگاه است؟ برای ساختن یک زندگی بهتر؟ ویا بدست آوردن یک موقعیت اجتماعی بالاتر در جامعه است؟

جواب بصورت مثبت، یعنی بلی است. بخاطر داشته باشید که کانکور میتواند مانند یک پل، شمارا به خواسته های تان نزدیک تر سازد و هرکسی در این مدت، باید تلاش بیشتر کند، تا باشد که نتیجه بهتری را بدست آورد؛ ولی لزوماً نمیتوان اینگونه تصور کرد که بعد از سپری کردن امتحان کانکور و تحصیل در بهترین دانشگاه ها، موفقیت در آن در انتظار شما است. طوری که امروز شاهد هستیم، بسیاری از لیسانس ها، حتی فوق لیسانس های زیادی، بعد از اتمام دوره تحصیل، بیکار و بدون وظیفه هستند ویا برخلاف رشته تحصیلی خود، مشغول کار اند. این حرف ها برای این نبوده که اراده شما را ضعیف کنیم، بلکه فقط میخواهیم تا این را بدانید که کانکور را نباید تنها هدف زندگی خود قرار دهید. باید در کنار آن، به فکر کار های دیگر و پرداختن به سایر

نقش تعلیم و تربیه در تکامل شخصیت دختران نوجوان و دوشیزگان

مدرس، داکتر، انجینر، کارشناس و حتی میتوانند یک رئیس خوب دولت، با رعایت شروط اسلامی به کشور شان ثابت شوند. طوریکه میبینیم امروز زنان افغانستان در عرصه سیاست، علم و فرهنگ، درخشش خاصی دارند. پارلمان افغانستان که 25% آن مربوط به جنس زنان متعلق است، همچنان دختران نوجوان و دوشیزگان افغانستان در امور اقتصادی نیز روز بروز سهم فعال و مؤثر را بعهده میگیرند. من منحیت یک دوشیزه دانشجوی افغانستان تحصیل یافته، عقیده تزلزل ناپذیر دارم که زنان افغانستان میتوانند با خرد جمعی و تشریک مساعی مشترک، برای حل معضله زنان در کشور، مصدر خدمات شایسته و ارزشمندی گردند و آنروز دور نخواهد بود که دیگر زنی، تحت ستم اجتماعی قرار نگیرد و از خانه و کاشانه اش جبراً رانده نشود.

من باور دارم که زنان افغانستان با اتکاء به یاری خداوند تبارک و تعالی، وحدت و یکپارچگی، جلو این بیدادگری ها و بی عدالتی ها را خواهند گرفت و برای ساختن یک افغانستان شگوفان، مستقل از نگاه سیاسی، مرفه و با آبرو، یکجا با برادران خود کار نمایند، امید است این آرزو تحقق یابد. ومن الله التوفیق.

نیلگون "پارزاده" دوشیزه دانشجوی صنف سوم دانشکده حقوق و علوم سیاسی، رشته اداری- دیپلوماسی، مؤسسه تحصیلات عالی از هر

به فراگیری حد اقل تعلیمات عالی میباشد. افزون بر آن عدم آگاهی والدین و سایر اعضای خانواده های ممد این مشکل میباشد، زیرا عنعنات پسندیده خرافی که بذهن بعضی خانواده ها جایگزین گردیده و آنها حاضر نیستند تا دختران و دوشیزگان عضو فامیل های خویش را غرض فراگیری آموزش به مکاتب و دانشکده ها بفرستند. آنچه والدین که در تعیین حدود حقوق حقه دختران جوان و دوشیزگان نقش اساسی دارند، آنها را از احقاق حقوق حقه ایشان محروم میدارند. خوشبختانه پس از دهه هشتاد، زمینه رشد و تکامل اجتماعی محدودی، برای زنان در افغانستان میسر گردیده، امروز ده ها هزار دختر نوجوان و دوشیزگان در مدارس، دانشکده های دانشگاه ها، مصروف فراگیری آموزش و پرورش و دانشجویی میباشند و این امر، نوید خوبی برای تنویر اذهان زنان افغانستان در آینده خواهد بود که در مورد این شعر، صدق دارد:

گر خدا یاری کند در کارها بر دمد از خار زار گلزارها

باور کامل دارم که زنان افغانستان از استعدادها و توانایی های عظیم خدادادی برخوردار اند، آنها توانایی اجرا و اداره امور فکری را در بسا ساحات مساوی با مردان و حایز توانای رقابت در کار با مردان را دارند. دختران نوجوان و دوشیزگان افغانستان میتوانند یک مدیر،

این یک حقیقت مبرهن و آشکار است که تعلیم، تعلم و تربیت نقش اساسی و کلیدی را در امر تکامل شخصیت انسان ایفا مینماید. انسان از بدو پیدایش به آموزش و تربیت نیاز داشته والی چشم پوشیدن از این دنیا، این نیاز از وی سلب نمیکرد. خداوند تبارک و تعالی، آدم (ع) را خلق نمود و منحیت معلم و آموزگار، تعلیم و تربیت آدم (ع) را آموزش و پرورش داد. به تاسی از این حکم، انسان امروزی، نیز مکلف به آموزش و پرورش میباشد، خصوصاً فرزندان این مرز و بوم و بطور خاص، دختران جوان و دوشیزگان سرزمین افغانستان نیاز شدیدی به آموزش جدی دارند. 36 سال جنگ، ویرانی، آوارگی، دربدری، ضربات مهلک و خورد کننده را بر پیکر تعلیم و تربیه نسل جوان کشور ما وارد نموده در نتیجه این جنگ، هزاران تن از فرزندان این مرز و بوم اعم از پسر و دختر، از نعمت آموزش بی بهره ماندند و بویژه دختران و دوشیزگان این سرزمین، نسبت جور جنگ افروزان و عدم آگاهی والدین از ارزش تعلیم و تربیه، دختران و دوشیزگان را از رفتن به مکتب ها و دانشگاه ها باز داشته اند، که این خود، صدمات جبران نا پذیری را در امر رشد و آگاهی یابی دختران و دوشیزگان افغانستان وارد نمود و امروز اثرات این زیان را در زندگی دختران جوان و دوشیزگان به چشم مشاهده مینمائیم بطور مثال، خود سوزی زنان، فرار آنها از منازل و امثالهم، ناشی از عدم آگاهی و عدم دسترسی آنها